

# موافقتنامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری<sup>(۱)</sup> و کشورهای در حال توسعه

محمدحسن زارع

(فوق لیسانس معارف اسلامی و اقتصاد، دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ایران)

نظر گرفته شده است). واقعیت این است که این موافقتنامه، مهمترین محرک کشورها در استفاده از این ضوابط را نادیده گرفته است و آن ضرورت مقابله با رویه‌های بازرگانی محدود کننده بنگاه‌های چند ملیتی و رفتار ضد رقابتی آنهاست. استدلال اقتصادی که در ممنوعیت استفاده از ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری مطرح می‌شود، این است که این ضوابط، جریان تجارت را مختل می‌کند و با اصول سازمان تجارت جهانی سازگاری ندارد. در واقع، این جنبه از موضوع که چنین ضوابطی با هدف افزایش قدرت چانه زنی کشورهای میزبان سرمایه‌گذاری خارجی در مقابل بنگاه‌های چند ملیتی به منظور جلوگیری از رویه‌های بازرگانی محدود کننده و رفتار ضد رقابتی آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد، سهواً یا عمدتاً به فراموشی کامل سپرده شده است. اصولاً امروزه شرط لازم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این است که بنگاه‌های چند ملیتی بتوانند منافعی از آن به دست آورند؛ در حالی که کشورهای میزبان سرمایه‌گذاری نیز توقع کسب قسمتی از منافع حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی را دارند. بنابراین، بدیهی است که از قدرت چانه زنی در مقابل این بنگاه‌ها برخوردار باشند و گاهی ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری با همین هدف مورد استفاده آنها قرار می‌گیرد. با این دیدگاه، این ضوابط در واقع نوعی قدرت جبرانی<sup>(۲)</sup> به این کشورها می‌دهد. حال «موافقتنامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری» که حاصل مذاکرات دور اروگوئه است و از موافقتنامه‌های وابسته به گات ۱۹۹۴ به شمار می‌رود، بدون آنکه پاسخ مناسبی به فعالیت‌های مختل کننده تجاری بنگاه‌های چند ملیتی بدهد، استفاده از ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری اختلال‌زا و انحراف‌زا در فعالیت‌های تجاری را ممنوع کرده است.

امروزه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مهمترین منبع جذب سرمایه‌های خارجی در کشورهای در حال توسعه است و نقش آن روز به

این مقاله از طریق بررسی مفاد «موافقتنامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری»، به بررسی آثار اقتصادی آزادسازی بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی بر کشورهای در حال توسعه می‌پردازد و ضمن اعتقاد به اثرگذاری منفی حذف ضوابط سرمایه‌گذاری، گزینه‌های جایگزین را پیشنهاد می‌کند.

## مقدمه

هدف مقاله حاضر این است که نشان دهد در دو حوزه سرمایه‌گذاری و رقابت، وضع موجود (با توجه به «موافقتنامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری») برای کشورهای در حال توسعه رضایت بخش نیست و لازم است با ایجاد ارتباط منطقی بین سیاست‌ها و قوانین سرمایه‌گذاری و رقابت، آثار معکوس ناشی از وضع موجود برای کشورهای در حال توسعه رفع شود.

با توجه به نقش مهم و برجسته بنگاه‌های چند ملیتی در سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه، احتمالاً توسعه بیشتر سیاست‌ها و قوانین مرتبط با سرمایه‌گذاری در چارچوب سازمان تجارت جهانی مد نظر طرف‌های متعاقد است؛ این فرصت مناسبی پیش روی کشورهای در حال توسعه قرار خواهد داد تا وضع خود را در زمینه سرمایه‌گذاری بهبود بخشند. ما در این مقاله، بر ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری متمرکز می‌شویم که در شکل دهی نوع ارتباط بین کشورهای میزبان سرمایه‌گذاری و بنگاه‌های چند ملیتی موثر است.

«موافقتنامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری»، استفاده طرف‌های متعاقد را از یک سری ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری ممنوع می‌کند؛ آنها را ملزم می‌کند تا ظرف یک دوره انتقالی مشخص، این ضوابط را در صورت وجود حذف کنند (دوره انتقالی برای کشورهای توسعه یافته دو سال، در حال توسعه پنج سال و با کمترین درجه توسعه یافتگی هفت سال در

روز مهمتر می شود. جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی به شکل بسیار ناهمگون توزیع شده است. در حالی که سهم کشورهای صحرای آفریقا در دهه گذشته کاهش یافته، سهم کشورهای شرق آسیا بیشتر شده است. بیشترین رشد سرمایه گذاری مستقیم خارجی در دهه گذشته مربوط به چین بوده است و سایر کشورهای با درآمد پایین سهم کمتری داشته اند.

مهمترین عاملی که سهم کشورهای مختلف از سرمایه گذاری مستقیم خارجی را مشخص می کند، اندازه و رشد بازار این کشورهاست. می توان گفت که سیاست های تجاری

و مالیاتی، ثبات سیاسی، حقوق مالکیت و غیره با وجود حایز اهمیت بودن، به اندازه بازار مهم نیست. با این تعبیر، ضوابط تجاری سرمایه گذاری عامل مهمی در تعیین تصمیمات سرمایه گذاری به شمار نمی رود. در واقع، نقش این ضوابط به عنوان مانعی در مقابل سرمایه گذاری مستقیم خارجی، بسیار ناچیز است؛ انگیزه مهم بنگاه های چند ملیتی در جهت تلاش برای حذف این ضوابط از طریق دولت هایشان در چارچوب سازمان تجارت جهانی این بوده که چنین ضوابطی حاشیه سود آن ها را کاهش می دهد.

بنابراین، ممنوعیت استفاده از ضوابط تجاری سرمایه گذاری، قدرت چانه زنی کشورهای میزبان سرمایه گذاری خارجی را کاهش می دهد و از منافع بالقوه آن ها از سرمایه گذاری مستقیم خارجی می کاهد. با توجه به نقش روزافزون سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه، این کاهش منافع به معنای هزینه قابل توجه آن هاست. این هزینه برای کشورهایایی مثل هند و چین که سهم قابل توجهی از سرمایه گذاری مستقیم خارجی را به خود اختصاص داده اند بیشتر است، ولی به هر حال برای تمام کشورهای در حال توسعه وجود دارد. هدف این مقاله، بررسی این مطلب است که این هزینه چه اشکالی دارد و راه حل مناسب برای کشورهای در حال توسعه چه می تواند باشد. در بخش بعد محرک ها، آثار و منافع مورد انتظار کشورهای در حال توسعه از بکارگیری ضوابط تجاری سرمایه گذاری بررسی می شود. پس از آن به بررسی این مطلب می پردازیم که تاثیرات ناشی از حذف این ضوابط چیست. سپس به این موضوع می پردازیم که سناریوها و راه حل های مختلف در توسعه قوانین سرمایه گذاری و رقابتی چیست و در بخش نتیجه گیری، بعضی سیاست های جایگزین ضوابط تجاری سرمایه گذاری بررسی می شود.

## ضوابط تجاری سرمایه گذاری

ضوابط تجاری سرمایه گذاری به محدودیت هایی گفته می شود که کشور میزبان سرمایه گذاری خارجی بر فعالیت های بنگاه های چند ملیتی اعمال می کند. این ضوابط از این جهت ضوابط سرمایه گذاری نامیده می شوند که به سرمایه گذاری مستقیم خارجی مربوط می شوند و از این

جهت تجاری هستند که بر جریان تجارت اثر می گذارند. این ضوابط گاهی بنگاه های چند ملیتی را ملزم می کند از مقدار معینی داده های محلی در تولید خود بهره گیرند که به آن الزامات محتوای داخلی<sup>(۳)</sup> گفته می شود. گاهی توسط کشورهای میزبان، بنگاه های چند ملیتی ملزم می شوند تا درصد معینی از محصول خود را صادر کنند؛ که این ضابطه مربوط به الزامات عملکرد صادراتی<sup>(۴)</sup> می شود. انواع دیگری از ضوابط وجود دارد که واردات یا صادرات را محدود می کند؛ مانند الزامات تراز تجاری<sup>(۵)</sup> (ملزم می کند که واردات درصد معینی از صادرات

باشد) و الزامات تراز ارزی<sup>(۶)</sup> (تصریح می کند ارزی که برای واردات در دسترس قرار می گیرد، باید بخش معینی از ارزش ارزی باشد که از محل صادرات شرکت ها و سایر منابع بدست می آید). الزامات فروش داخلی<sup>(۷)</sup> از جمله ضوابطی است که بنگاه را ملزم می کند بخش معینی از محصولش را در داخل به فروش برساند که در نهایت به محدود شدن صادرات منجر می شود. بر اساس ماده (۲) موافقتنامه ضوابط تجاری سرمایه گذاری، آن دسته از ضوابط تجاری سرمایه گذاری که با مقررات مواد (۳) (رفتار ملی) و (۱۱) (منع استفاده از محدودیت های مقداری) گات ۱۹۹۴ مغایرت دارند نباید توسط هیچ یک از کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی مورد استفاده قرار گیرند. فهرست توضیحی مربوط به این دسته از ضوابط تجاری سرمایه گذاری در ضمیمه موافقتنامه مذکور آمده است. در مجموع، طبق ضمیمه «موافقتنامه ضوابط تجاری سرمایه گذاری» الزامات محتوای داخلی و تراز تجاری با تعهد مربوط به رفتار ملی مندرج در بند (۴) ماده (۳) گات ۱۹۹۴ و الزامات تراز تجاری، محدودیت های ارزی (دسترسی به ارز را محدود می کند و در نتیجه واردات کاهش می یابد) و فروش داخلی با تعهد مربوط به حذف کلی محدودیت های مقداری مندرج در بند (۱) ماده (۱۱) گات ۱۹۹۴ مغایر تشخیص داده شده و اعمال آن ها توسط کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی ممنوع است.

در واقع، دیدگاهی که در ورای موافقتنامه ضوابط تجاری سرمایه گذاری نهفته، این است که این ضوابط کشورهای میزبان سرمایه گذاری خارجی، تجارت را محدود می کند، اگرچه هدف، جلوگیری از رویه های مختل کننده بازرگانی بنگاه های چند ملیتی است. در عمل، قدرت چانه زنی این کشورها در مقابل بنگاه های چند ملیتی کاهش می یابد و ابزار لازم از دست آن ها گرفته می شود؛ از اینجاست که این کشورها که بیشتر کشورهای در حال توسعه هستند احساس می کنند به طور ناعادلانه ای با آن ها برخورد شده است. راه عملی برای حل این مشکل این است که سازمان تجارت جهانی، موضوع سرمایه گذاری خارجی را به طور کلی و با در نظر گرفتن تمام جنبه های آن، از جمله رویه های بازرگانی محدود کننده بنگاه های چند ملیتی، در نظر بگیرد و سعی کند با تصویب مقرراتی در خصوص سیاست سرمایه گذاری و رقابتی، اصلاحاتی را بر متن



موافقتنامه مزبور وارد کند؛ باید گفت ماده (۹) (۸) این موافقتنامه چنین امکانی را به این سازمان می‌دهد.

دلایل متعددی وجود دارد که علت توقع بنگاه‌های چند ملیتی درباره کسب رانت از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را مشخص می‌کند. مهمترین آن‌ها منافع متوقع از موقعیت خاص بنگاه مثلا دسترسی آن به فناوری خاص است. منافع متوقع از محل خاص بنگاه مثلا وجود کشور میزبان سرمایه‌گذاری با منابع طبیعی خاص و منافع حاصل از «دورنی شدن» از طریق ادغام افقی یا عمودی از جمله دیگر موارد است. به هر حال، این بنگاه‌ها متخیر به تولید کالای مورد نظر توسط خودشان و یا توسط بنگاه‌های محلی از طریق ارائه مجوز یا سرمایه‌گذاری مشترک هستند. یک بنگاه اصولاً وقتی روش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را حتی با وجود ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری بر می‌گزیند که منافع حاصل از تولید توسط بنگاه، بیشتر از زمانی باشد که به بنگاه‌های محلی اجازه چنین کاری داده شود.

یکی از منافع مورد انتظار کشورهای میزبان سرمایه‌گذاری خارجی، ایجاد پیوندهای محلی و افزایش تقاضا برای مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای تولید شده در داخل است. از این طریق، بنگاه‌های چند ملیتی می‌توانند در فعالیتهای داخلی نیز مشارکت کنند و موجب رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای میزبان سرمایه‌گذاری شوند؛ ولی در عمل این موضوع کمتر تحقق یافته و بیشتر محدود به مواردی بوده است که این بنگاه‌ها با هدف عرضه کالاهای خود در بازار داخلی کشور میزبان فعالیت کرده‌اند که در این صورت از منابع داخلی آن‌ها نیز استفاده کرده‌اند. از جمله مهمترین رویه‌های بازرگانی محدودکننده‌ای که در این مورد از طرف بنگاه‌های چند ملیتی اعمال شده است، واردات از بنگاه مادر و تخصیص بازار بوده است که در مقابل آن، دولت‌ها از الزامات مربوط به محدودیت واردات و محتوای داخلی استفاده کرده‌اند تا از این رویه‌ها جلوگیری به عمل آورند یا حداقل تا حدودی آثار آن را خنثی کنند و بتوانند قسمتی از منافع حاصل از سرمایه‌گذاری را در این مورد به خود اختصاص دهند.

بهبود تراز پرداخت‌ها یکی دیگر از منافع مورد انتظار کشورهای میزبان سرمایه‌گذاری خارجی است. اگر بنگاه‌های چند ملیتی به منظور صادرات یا جایگزینی واردات فعالیت کنند، حضور آن‌ها تراز پرداخت‌ها را بهبود می‌بخشد. برای تحقق این مطلب لازم است میزان ذخیره ارزی آن‌ها بیشتر از هزینه‌های ارزی آن‌ها برای واردات باشد؛ در عمل باز مشاهده می‌شود که عملکرد صادراتی این بنگاه‌ها نسبت به بنگاه‌های داخلی بهتر نیست و تمایل بیشتری به واردات دارند. از جمله رویه‌های بازرگانی محدودکننده‌ای که بنگاه‌های چند ملیتی در این مورد استفاده می‌کنند عبارت‌اند از: واردات از بنگاه مادر، تخصیص بازار، رقابت با بنگاه‌های داخلی، محدود کردن صادرات و قیمت گذاری انتقالی.

در واقع، این بنگاه‌ها با استفاده از این رویه‌های بازرگانی محدودکننده، سود بیشتری کسب می‌کنند و منافع کشورهای میزبان را از سرمایه‌گذاری خارجی کاهش می‌دهند. در بسیاری از موارد، بنگاه‌های مادر، شرکت‌های تابعه را وادار می‌کنند که با چه کسانی معامله کنند. این نکته قابل توجه است که حتی در صورت نبود رویه‌های بازرگانی محدودکننده، رابطه نزدیک بین بنگاه‌های مادر و تابعه می‌تواند جریان تجارت را مختل کند؛ درونی شدن تجارت بین بنگاه‌های چند ملیتی و بین این بنگاه‌ها و شرکت‌های تابعه باعث شده است تا واگمه کشورهای میزبان در مورد

استفاده این بنگاه‌ها از رویه‌های بازرگانی محدودکننده بیشتر شود. راه برخورد با این واگمه، انکار آن به همان طریقی نیست که در «موافقتنامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری» مشاهده می‌شود؛ بلکه بررسی و ارزیابی صحت و سقم آن و در صورت صحت، ارائه راه حل توسط سازمان تجارت جهانی است.

واقعیت این است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تا به حال نتوانسته منافعی را تامین کند که کشورهای میزبان در حوزه‌های انتقال فناوری، پیوندهای محلی و بهبود تراز پرداخت‌ها متوقع داشته‌اند؛ این اصولاً به خاطر رویه‌های محدودکننده و یا غیرمحدودکننده‌ای بوده است که بنگاه‌های چند ملیتی اتخاذ کرده‌اند. بنابراین، این کشورها با اتخاذ ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری سعی در مقابله با زیاده خواهی‌های این بنگاه‌ها و کسب قسمتی از سود حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی داشته‌اند. از متداول‌ترین این ضوابط، الزامات محتوای داخلی، الزامات مربوط به محدودیت‌های وارداتی (مثل الزامات تراز تجاری، تراز ارزی و محدودیت‌های ارزی) و الزامات عملکرد صادراتی است. الزامات تجاری سرمایه‌گذاری ممکن است به این منظور اعمال شود: ایجاد پیوندهای محلی و افزایش تقاضا برای کالاهای تولید شده در داخل، بهبود تراز پرداخت‌ها، کاهش رقابت بنگاه‌های چند ملیتی با بنگاه‌های داخلی و متعادل کردن فعالیت این بنگاه‌ها باشد به طوری که واردات آن‌ها بر صادراتشان فزونی نگیرد. واضح است که این الزامات بر جریان تجارت تاثیر می‌گذارد ولی ذکر این نکته مهم است که رویه‌های بازرگانی محدودکننده نیز تاثیرات مشابهی بر تجارت دارد. تخصیص بازارهای متنوعی که از جانب این بنگاه‌ها اتخاذ می‌شود، در واقع شرکت‌های تابعه را وادار می‌کند تا محصولات خود را در بازارهای مشخص به فروش برسانند یا مواد اولیه مورد نیاز خود را از تولیدکنندگان معینی تامین کنند.

قیمت گذاری انتقالی اگرچه ممکن است بر حجم تجارت اثر نگذارد، ولی ارزش‌های تجاری را در معاملات بین بنگاه‌های چند ملیتی متاثر می‌کند. هدف ممکن است کمتر نشان دادن سود به منظور مواجه شدن با میزان (نرخ)‌های مالیاتی پایین‌تر باشد. در عین حال، امکان دارد هدف آن‌ها تغییر قیمت‌ها و افزایش رقابت در بازارهای مشخص باشد؛ همه این موارد بر جریان تجارت اثر می‌گذارد و موجب اختلال و انحراف تجاری می‌شود.

واقعیت این است که هم الزامات تجاری سرمایه‌گذاری و هم رویه‌های بازرگانی محدودکننده، تاثیرات مشابهی بر جریان تجارت دارند ولی لازم است هر دو با هم در قالب یک مجموعه مورد توجه قرار گیرند. الزامات تجاری سرمایه‌گذاری، ابزار سیاستی است که با رویه‌های بازرگانی محدودکننده برانگیخته شده است. از این رو، لازم است قوانین آتی سرمایه‌گذاری در سازمان تجارت جهانی طوری طرح‌ریزی شود که هر دو آن‌ها را به صورت یک مجموعه (Package) در نظر گیرد، نه این که توجه خود را فقط معطوف به حذف الزامات تجاری سرمایه‌گذاری کند.

### آثار ناشی از حذف الزامات تجاری سرمایه‌گذاری

برای تعیین آثار ناشی از حذف الزامات تجاری سرمایه‌گذاری لازم است در ابتدا مشخص شود وجود این الزامات چه آثاری به دنبال داشته است. البته، این اطلاعات به راحتی در دسترس نیست، زیرا فهرست مشخصی از این الزامات و آثار آن برای هر کشور وجود ندارد. برای ساده

## آثار اقتصادی حذف ضوابط تجاری سرمایه گذاری

محتوای داخلی	عملکرد صادراتی	محدودیت‌های وارداتی	
عدم کاربرد	-	عدم کاربرد	صادرات
+	عدم کاربرد	+	واردات
-	-	-	تراز تجاری
-	?	-	پیوندهای داخلی
-	?	-	تولید داخلی
-	?	-	اشتغال داخلی
-	?	-	درآمدها
؟+	?	؟+	فقر

توضیح: علامت مثبت به معنای افزایش ارزش شاخص و علامت منفی به معنای کاهش ارزش شاخص است؛ علامت سوال نشان می‌دهد که تاثیر نهایی مشخص نیست.

در حال توسعه روز به روز فزونی می‌یابد. از این جهت، بیشتر تاثیر حذف این الزامات را بر این کشورها به عنوان کشور میزبان سرمایه گذاری خارجی بررسی می‌کنیم. در هر کشور در حال توسعه‌ای که دریافت کننده سرمایه گذاری مستقیم خارجی است و رفتار بنگاه‌های چند ملیتی را به منظور جذب منافع بیشتر محدود می‌کند این شرایط احتمالاً وجود خواهد داشت. ما فرض می‌کنیم که آزادسازی ضوابط سرمایه گذاری در واقع شامل ممنوعیت هرگونه ضابطه‌ای در حوزه سرمایه گذاری خارجی است که تجارت را محدود کند. البته ذکر این نکته مفید است که «موافقتنامه چند جانبه سرمایه گذاری» (MAI) بسیار بلندپروازانه‌تر از این عمل کرده و تمام ضوابط سرمایه گذاری موثر یا بدون تاثیر بر تجارت را شامل شده است. به هر حال، سازمان تجارت جهانی لازم است توجه خود را محدود به ضوابطی کند که بر تجارت اثر دارد.

همانطور که از جدول مشخص می‌شود، آثار ناشی از حذف این سه ضابطه، منفی و معکوس است. واضح است که با پایان یافتن الزامات مربوط به محدودیت واردات و محتوای داخلی، واردات افزایش می‌یابد و تراز تجاری بدتر می‌شود. حتی با حذف الزامات محتوای داخلی بعضاً مشاهده می‌شود که واردات از شرکت‌های تابعه بنگاه‌های چند ملیتی جایگزین مواد تولید شده در داخل می‌شود. در هر دو مورد، تولید داخلی، اشتغال و درآمدها در داخل کاهش می‌یابد و حتی امکان دارد فقر افزایش یابد. آثار ناشی از حذف عملکرد صادراتی، مبهم‌تر است. هر چند صادرات بنگاه‌های چند ملیتی کاهش می‌یابد و بر تراز تجاری تاثیر منفی دارد ولی در عوض ممکن است تولید با هدف عرضه در بازار داخلی افزایش یابد. بنابراین، تاثیر حذف این الزام بر تولید، اشتغال، درآمد و فقر در جدول قطعی

شدن بحث، مطالعه خود را روی سه الزام تجاری سرمایه گذاری متمرکز می‌کنیم که بیشترین اهمیت را دارند: الزامات عملکرد صادراتی، الزامات مربوط به محدودیت واردات (الزامات تراز تجاری، تراز ارزی، محدودیت‌های ارزی و غیره) و الزامات محتوای داخلی. به منظور ارزیابی دقیق آثار ناشی از حذف الزامات تجاری سرمایه گذاری، در ابتدا باید کالاها و بخش‌های متاثر از اتخاذ ضوابط اصلاحی و حذف این الزامات معین شود. سپس تاثیرات بر این کالاها و بخش‌ها هم از بعد قیمتی و هم از بعد مقداری (ارزش و حجم) مشخص شود. در مرحله بعد، تاثیرات ناشی از حذف الزامات بر متغیرهای مهم اقتصادی مثل اشتغال و تورم و بعد از آن سطح رفاه و توزیع درآمد برآورد و با ملاحظه تاثیرات بین بخشی، اثر کمی ناشی از حذف این الزامات بر اقتصاد کشور مربوطه مشخص شود.

جدول زیر، آثار ناشی از حذف الزامات تجاری سرمایه گذاری را بر متغیرهای مهم اقتصادی در سه حوزه عملکرد صادراتی، محدودیت‌های وارداتی و محتوای داخلی نشان می‌دهد. ذکر این نکته لازم است که با وجود اینکه تمرکز ما بر الزامات تجاری سرمایه گذاری و آثار ناشی از حذف آن‌هاست، پوشش موضوعی این تجزیه و تحلیل می‌تواند فراتر باشد و شامل تمام سیاست‌ها و اقداماتی شود که هدف از آن‌ها قانونمند کردن رفتار بنگاه‌های چند ملیتی و جلوگیری از وقوع رویه‌های بازرگانی محدود کننده توسط آن‌هاست.

جدول فوق، آثار ناشی از حذف این الزامات را بر کشور میزبان سرمایه گذاری به ویژه کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد. گرچه اکثر سرمایه گذاری‌های مستقیم خارجی در کشورهای توسعه یافته انجام می‌شود، ولی نقش سرمایه گذاری خارجی در توسعه اقتصادی کشورهای

نشده است.

ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری موجب اختلال و انحراف تجاری می‌شود و ممکن است با حمایت از تولیدکنندگان داخلی ناکاراء، مشوق ناکارایی در تخصیص منابع باشد؛ با وجود این، ممکن است در بلندمدت، کارایی و بویایی را برای کشور میزبان به همراه داشته باشد. به هر حال، اگر استفاده از این ضوابط با ناکارایی اقتصادی همراه باشد، حذف آن باید کارایی را افزایش دهد، در حالی که حذف این الزامات، آثار اقتصادی منفی و معکوس برای کشورهای در حال توسعه دارد.

ارزیابی تاثیر حذف این ضوابط بر

کشور مبدا سرمایه‌گذاری مشکل‌تر است؛ در این میان می‌توان به پاره‌ای نکات اشاره کرد. افزایش واردات به دنبال حذف برخی ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری که تاثیر منفی و معکوس قابل توجهی بر کشور میزبان سرمایه‌گذاری خواهد داشت، فقط منابعی را منتفع خواهد کرد که افزایش واردات از آن‌ها تامین می‌شود؛ این منابع که شاید سایر بنگاه‌های چند ملیتی یا بنگاه‌های مادر یا شرکت‌های تابعه آن‌ها باشند چرا که از اهداف بنگاه‌های چند ملیتی، درونی کردن تجارت است. پایان دادن به الزام عملکرد صادراتی نیز تنها صادرکنندگان رقیب را منتفع می‌کند و این مساله نیز می‌تواند بین خود بنگاه‌های چند ملیتی به مساله‌ای داخلی تبدیل شود و کشورهای مبدا سرمایه‌گذاری منافع عایدشان نشود. تنها منفعت بالقوه کشور مبدا می‌تواند بازگشت سودهای فزاینده توسط بنگاه‌های چند ملیتی به کشورهايشان باشد که با توجه به محیط جهانی مناسبی که برای این بنگاه‌ها وجود دارد، می‌توانند با کسب سود بیشتر، شبکه تولید خود را گسترش دهند؛ از این جهت نیز شاید منافع چندانی عاید کشورشان نشود. بنابراین، تاثیرات پایدار آزادسازی ضوابط سرمایه‌گذاری احتمالاً برای کشورهای میزبان سرمایه‌گذاری، منفی است و برای کشورهای مبدا نیز معلوم نیست مثبت باشد. اما فقط در مورد کشورهای میزبان است که این تاثیرات منفی، بزرگ و قابل توجه است؛ از آنجا که کشورهای در حال توسعه بیشتر در نقش کشورهای میزبان هستند، آثار منفی و معکوس قابل توجهی از این آزادسازی متوجه آن‌ها خواهد شد.

ما در این بخش از مقاله، سناریوهای مختلف را که در مورد آزادسازی بخش سرمایه‌گذاری می‌تواند مطرح شود مرور می‌کنیم، به بررسی آثار و تبعات هر کدام می‌پردازیم و در بخش نتیجه‌گیری، سناریوی بهینه را بر می‌گزینیم.

### سناریوهای مختلف آزادسازی در بخش سرمایه‌گذاری

در اینجا سه سناریوی مختلف در مورد آزادسازی در بخش سرمایه‌گذاری مطرح می‌شود. عدم آزادسازی می‌تواند یک سناریو باشد که به مفهوم اجرای موافقتنامه فعلی ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری است. یعنی الزامات تجاری سرمایه‌گذاری که در فهرست توضیحی آمده،



# Investment

غیرقانونی و اعمال آن‌ها ممنوع است. بنابراین، براساس این سناریو، استفاده از برخی الزامات تجاری سرمایه‌گذاری می‌تواند تداوم یابد. با این حال، ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری کاملاً رضایت بخش نیست، چرا که به سمت منافع بنگاه‌های چندملیتی تمایل دارد. پس عدم آزادسازی، با آثار پایدار معکوس همراه است. علاوه بر آن، مشکلی که در مورد این موافقتنامه وجود دارد این است که موافقتنامه مزبور در حل تعارض بین این دو مساله عاجز مانده است؛ اول اجازه دادن به کشورهای میزبان سرمایه‌گذاری خارجی در بکارگیری بعضی الزامات و ضوابط در مقابل رفتارهای محدودکننده

بنگاه‌های چند ملیتی و دوم اطمینان از اینکه این ضوابط بین بنگاه‌های چند ملیتی و داخلی تبعیض قابل نشود و موجب اختلال و انحراف تجاری نشود.

سناریوی دوم، آزادسازی کامل است که به نظر می‌رسد بتواند این تعارض را حل کند. در این سناریو، از یک طرف ضوابط سرمایه‌گذاری خاصی مورد نیاز است تا اطمینان دهد قوانین سرمایه‌گذاری در کشورها موجب اختلال تجاری نمی‌شود؛ از طرف دیگر، قوانین رقابتی خارجی وجود دارد که کشورهای میزبان را قادر می‌کند فعالیت‌های بنگاه‌های چند ملیتی و داخلی را قانونمند کنند. در مجموع، آثار این دو سری قوانین، مثبت است، چرا که با اتخاذ سیاست‌های رقابتی مؤثر، کشورهای در حال توسعه به عنوان کشورهای میزبان سرمایه‌گذاری خارجی می‌توانند آثار اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی معکوس حاصل از فعالیت بنگاه‌های چند ملیتی و داخلی را جبران کنند. در این صورت می‌توان گفت که تاثیر کمی ناشی از ضوابط رقابتی و سرمایه‌گذاری، مثبت و تا حد زیادی، پایدار است. سناریوی سوم، راه حل حد وسط است که در واقع، متضمن آزادسازی در بخش سرمایه‌گذاری بدون وجود ضوابط رقابتی مکمل است (مانند آنچه در سرمایه‌گذاری چند جانبه به چشم می‌خورد). از آنجا که ضوابط رقابتی، آثار منفی ناشی از آزادسازی در بخش سرمایه‌گذاری را جبران می‌کند و در این سناریو وجود ندارد، بنابراین، اثر پایدار این سناریو در مجموع منفی است.

### نتیجه‌گیری

از سه سناریوی بالا کاملاً مشخص می‌شود که سناریوی دوم که در آن، آزادسازی سرمایه‌گذاری در کنار ضوابط رقابتی خاص در چارچوب سیاست‌های رقابتی قرار می‌گیرد، منافع کشورهای در حال توسعه را به عنوان کشورهای میزبان سرمایه‌گذاری بیشتر تامین می‌کند؛ این سناریو، در واقع همان سناریوی بهینه است. امکان تحقق این سناریو در ماده (۹) «موافقتنامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری» پیش‌بینی شده است؛ علاوه بر این، در مقدمه این موافقتنامه، اعضای سازمان تجارت جهانی، رقابت آزاد را تضمین و بر نیازهای ویژه تجاری، توسعه‌ای و مالی کشورهای در

حال توسعه عضو تاکید کرده‌اند، و هدف از تسهیل سرمایه‌گذاری را افزایش رشد اقتصادی کلیه طرف‌های تجاری بویژه کشورهای در حال توسعه ذکر کرده‌اند.

ارتباط بین سیاست‌های رقابتی و سرمایه‌گذاری در چارچوب سازمان تجارت جهانی، به موقعیت هر کدام از کشورهای میزبان سرمایه‌گذاری خارجی، کشورهای مبدا و بنگاه‌های چند ملیتی بستگی دارد. این بنگاه‌ها تمایل دارند محدودیت هر چه کمتری بر رقابت و سرمایه‌گذاری آن‌ها در کشورهای مختلف وجود داشته باشد. اگرچه این بنگاه‌ها از موقعیت مذاکره‌ای در این سازمان برخوردار نیستند، ولی به هر حال موقعیت کشورهای خود را در مذاکرات تحت تاثیر قرار داده، خواسته‌هایشان را از طریق کشورهای میزبان مطرح می‌کنند. کشورهای توسعه یافته به عنوان کشورهای مبدا سرمایه‌گذاری خارجی هر کدام بنا به سیاست‌های رقابتی داخلی خود، نگاه خاصی به ضوابط سرمایه‌گذاری و رقابت دارند. به هر حال، هر چند نظر آن‌ها کاملاً با بنگاه‌های چند ملیتی یکی نیست ولی به آن بسیار نزدیک است و در واقع، کمترین محدودیت را در مورد سرمایه‌گذاری و رقابت خواستارند. کشورهای در حال توسعه، موقعیت و دیدگاه کاملاً متفاوتی دارند. وضع موجود برای آن‌ها رضایت بخش نیست و قوانین چند جانبه رقابتی که آن‌ها را قادر سازد رفتار بنگاه‌های چند ملیتی را قانونمند کند و مانع فعالیت انحصاری و اتخاذ رویه‌های بازرگانی محدود کننده آن‌ها شوند، مطلوب آنان است.

از آنجا که سازمان تجارت جهانی با عملکرد دولت‌ها سروکار دارد و سیاست‌های رقابتی به عملکرد بخش خصوصی مربوط می‌شود، این سازمان، جایگاه مناسبی برای پرداختن به سیاست‌های رقابتی نیست. از آن جهت که بنگاه‌های چند ملیتی، نمایندگان بخش خصوصی هستند، در چارچوب این سازمان مواد و موافقتنامه‌های خاص مربوط به محدود کردن رفتار آن‌ها یا جریمه کردن آن‌ها به چشم نمی‌خورد. علاوه بر آن، رسیدن به یک موافقتنامه چند جانبه در مورد سیاست‌های رقابتی - که البته برای دولت‌ها الزام‌آور باشد - به سادگی قابل دستیابی نیست، چرا که دیدگاه‌های بسیار متفاوتی در این مورد بین کشورهای مختلف، به ویژه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه وجود دارد.

مشکل اصلی کشورهای در حال توسعه این است که نظام‌های قانونی این کشورها مخصوصاً در اجرای سیاست‌های رقابتی و قانونمند کردن بنگاه‌های چند ملیتی بدون استفاده از ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری ضعیف است. بنابراین این کشورها به ضوابطی نیاز دارند که توان آن‌ها را در اجرای سیاست‌های رقابتی داخلی به طور مؤثر افزایش دهد. به هر حال، اصل کلی این است که دولت باید رقابت داخلی را افزایش دهد. افزایش رقابت بین بنگاه‌های چند ملیتی به عنوان یک جزء از رقابت داخلی، وضع مناسبی را پیش روی کشورهای در حال توسعه می‌گذارد تا از انحصار داخلی آن‌ها جلوگیری کند حتی اگر این انحصار از طریق سرمایه‌گذاری مشترک باشد. در چارچوب سازمان تجارت جهانی، دولت‌هایی که مدعی افزایش دادن سطح رقابت داخلی هستند، از موقعیت مذاکره‌ای بهتری برخوردارند. «موافقتنامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری»، توانایی دولت‌ها را در برخورد با رفتارهای ضد رقابتی بنگاه‌های چند ملیتی و رویه‌های بازرگانی محدود کننده آن‌ها کاهش می‌دهد و احتمالاً حذف تعداد بیشتری از این ضوابط در دستور کار آینده این سازمان قرار خواهد گرفت. ولی ضوابط دولتی که سطح رقابت را در داخل افزایش دهد و در قالب

سیاست‌های رقابتی اتخاذ شود، به سادگی نمی‌تواند به همراه داشتن آثار تجاری منفی تفسیر شود.

به هر حال، کشورهای در حال توسعه حتماً باید با ایجاد ضوابط رقابتی، بنگاه‌های چند ملیتی و حتی داخلی را در ایجاد انحصارهای داخلی و یا اعمال روش‌ها و رفتارهای انحصاری محدود کنند. در این راه، اولین قدم باید تثبیت رقابت داخلی و سپس وضع ضوابطی خاص در این مورد باشد. این ضوابط می‌تواند با سیاست‌های اقتصادی تعیین شده بانک جهانی و آنکتاد و سایر سازمان‌های بین‌المللی هماهنگ باشد تا از حمایت آن‌ها برخوردار شود. بنگاه‌های چند ملیتی و حتی داخلی که از طریق محدودیت رقابت به کسب رانت می‌پردازند، درصد ایجاد و حفظ انحصارهای داخلی خود هستند؛ بر دولت‌هاست تا با وضع ضوابط رقابتی مشخص، این گونه فعالیت‌ها را محدود کنند و به همان اهدافی برسند که از الزامات تجاری سرمایه‌گذاری در نظرشان است.

#### پی‌نوشت‌ها:

1. TRIMs Agreement
2. Countervailing Power
3. Local Content Requirements
4. Export Performance Requirements
5. Trade-balancing Requirements
6. Foreign Exchange Requirements
7. Domestic Sales Requirements

۸- ماده (۹) موافقتنامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری: بررسی شورای

#### تجارت کالا

شورای تجارت کالا حداکثر ظرف ۵ سال پس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه سازمان تجارت جهانی، عملکرد این موافقتنامه را بررسی و در صورت اقتضا، اصلاحاتی را در مورد متن آن به کنفرانس وزیران پیشنهاد خواهد کرد. شورای تجارت کالا در جریان بررسی توجه خواهد داشت که آیا لازم است موافقتنامه حاضر با مقرراتی در خصوص سیاست سرمایه‌گذاری و رقابت تکمیل شود یا نه.

#### منابع:

- 1- Greenaway, D. (1998), "Trade-Related Investment and Development Strategies" *Kyklos*, Vol 45.
- 2- ITC/CS (1999), *Business Guide to the World Trading System*, second edition, Geneva.
- 3- Morrissey, O. and Y. Rai (1995), "The GATT Agreement on Trade-Related Investment Measures: Implications for Developing countries and Their Relationship with Transnational Corporations", *Journal of Development Studies*.
- 4- Website: <http://www.wto.org/>
- ۵- موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، سند نهایی دور اروگوئه، تهران، چاپ اول، دی ماه ۱۳۷۳.